

# بارک آبی به سوی فانوس دریایی

«اتاقی از آن خود» (۱۹۲۹) که مقاله دیگری است درباره وضع زنان و مشکلات یک زن هنرمند. «او معتقد است که کلید آزادی زنان کلید در اتاقی است که می‌تواند آن را اتاق خود بنامد و می‌تواند با همان آزادی و استقلال برادرانش در آن زندگی کند.»<sup>۱۲</sup>

کتابشناسی ویرجینیا وولف<sup>۱۳</sup> توسط کرک پاتریک برای اولین بار در سال ۱۹۵۷ در لندن چاپ شد. هارت لیویس آن را در سال ۱۹۶۷ تجدید نظر کرد و مجدداً به چاپ رساند. این کتاب راهنمای بسیار خوبی خصوصاً درباره مقالات و داستانهای جمع‌آوری نشده خانم وولف است.

زندگینامه معتبر خانم وولف توسط برادرزاده اش پروفیسور کوئن تین بل فراهم آمده است.<sup>۱۴</sup> این کتاب در دو جلد به فارسی ترجمه شده است.<sup>۱۵</sup> غیر از این کتاب زندگینامه خودنوشت لئونارد وولف همسر ویرجینیا که پس از مرگ وی منتشر شد از بهترین آثار برای مطالعه زندگی، احوال و آثار خانم وولف است.<sup>۱۶</sup>

رز فیلیس و پل راجر هم دو کتاب درباره زندگی ویرجینیا به چاپ رسانده‌اند.<sup>۱۷</sup> دیگر اثر قابل توجه درباره بیوگرافی وولف دفتر خاطرات اوست<sup>۱۸</sup> که انتشارات هوگارت در سال ۱۹۵۳ در پنج جلد منتشر کرد.<sup>۱۹</sup> این کتاب جالب را لئونارد وولف از روی ۲۸ دفترچه بزرگ خاطرات ویرجینیا فراهم کرده است. این کتاب راهنمای ضروری برای پی بردن به ذهن و هنر ویرجینیای رمان‌نویس است. نامه‌های ویرجینیا نیز توسط بعضی دوستان وی جمع‌آوری و در شش جلد به چاپ رسید.

وولف از جمله نویسندگان مشهور جهان است که دهها و صدها کتاب و مقاله در نقد آثارش منتشر شده است، به همین جهت برای مطالعه درباره وی می‌بایست به کتابشناسی آثارش مراجعه کرد. از جمله کتابهای نقد ادبی که درباره آثار وولف نگاشته شده مجموعه **نقد آثار ویرجینیا وولف**<sup>۲۰</sup> است. این کتاب از سری مجموعه آثار نقد ادبی است که در نقد آثار شکسپیر، لانس، الیوت، وردزورث، بتیس، متیو آرنولد، درایدن، شارلوت و امیلی برونته، جین آوستون، کیثس، مارلو، پوپ، چاسر و هنری جیمز نوشته شده است. کتاب **نقد آثار ویرجینیا وولف** گرد آورده ژاکلین لانهم شامل مجموعه مقالاتی از نویسندگان و منتقدین جهان درباره آثار اوست. این کتاب به نقل نقد و نظر منتقدین پرداخته و بخشهایی از کتاب یا مقاله آنان را آورده است. نویسندگان این مقالات دیوید دیجز، دیوید لاج، جان گراهام و دیگران هستند. در پایان کتاب، کتابشناسی گزیده آثار وولف آمده است. از جمله مقالات جالب کتاب مقاله‌ای از دیوید دیجز در بررسی

ویرجینیا وولف، جیمز جویس و ویلیام فاکنر نویسندگان انگلیسی زبان آغاز قرن بیستم هستند که با نوشتن رمانهایی به شیوه «جریان سیال ذهن»<sup>۱</sup> جریانی تازه را در ادبیات داستانی جهان ایجاد کردند. طرزوی در نوشتن که در آن ادراکات و تفکرات شخصیت‌های داستان همانگونه که به طور اتفاقی در ذهن آن پیش می‌آید، ارائه می‌شود. «در این شیوه عقاید و احساسات بدون توجه به توالی منطقی و تفاوت سطوح مختلف واقعیت گاهی با هم ریختن نحو و ترکیب کلام آشکار می‌شود.»<sup>۲</sup>

ویرجینیا وولف (۱۸۸۲-۱۹۴۱) مهم‌ترین نویسنده زنی است که به نگارش رمانهایی از این دست شهرت دارد. رمانهای **خانم دالووی**، **به سوی فانوس دریایی**، **ارلانندو**، **خیزابها** و **سالها از رمانهای مشهور** این نویسنده‌اند که همه به زبان فارسی برگردانده شده‌اند.<sup>۳</sup> غیر از اینها وی نویسنده داستانهای کوتاه و بلند دیگری است. **اتاق جاکوب**، **بین پرده‌ها**، **شب و روز و سفر دور از آن جمله‌اند**. دو رمان اول او، **سفر دور**<sup>۴</sup> (۱۹۱۵) و **شب و روز**<sup>۵</sup> (۱۹۱۹) تا حدی سنتی و واقع‌گرا هستند. **اتاق جاکوب**<sup>۶</sup> (۱۹۲۲) سرآغاز سلسله رمانهای اصیل و درخشان وولف بود.

رمان دیگر این سلسله، **خانم دالووی**<sup>۷</sup> (۱۹۲۵)، رویدادهای یک روز معمولی زنی انگلیسی را ترسیم می‌کند. به سوی **فانوس دریایی**<sup>۸</sup> (۱۹۲۷) که بهترین رمان اوست به شیوه جریان سیال ذهن و نمادگرایی، در چارچوب طرحی مختصر، اما در گستره فضا و عواطفی غنی، اندیشه‌ها و زندگی لحظه به لحظه اشخاص رمان را بازگو می‌کند. **ارلانندو**<sup>۹</sup> (۱۹۲۸) رمان متفاوت دیگر مؤلف، وقایع نامه یک خانواده انگلیسی از سال ۱۸۸۰ تا زمان تألیف کتاب است. آخرین رمان وولف به نام **بین پرده‌ها**<sup>۱۰</sup> (۱۹۴۱) نمایشی است از تاریخ انگلستان و تأثیر آن بر بینندگان.

از وولف داستانهای کوتاه دلپذیری هم به یادگار مانده که بهترین آنها در مجموعه‌ای به نام **دوشنبه یا سه‌شنبه**<sup>۱۱</sup> گرد آمده است. غیر از داستان‌نویسی، وی صاحب مقالات فراوانی در نقد ادبی و نقد آثار است که در سال ۱۹۶۶ در چهار جلد با عنوان **Collected essays** منتشر شد.

جالب‌ترین مقالات وی که علاقه‌مندان به رمان‌هایش می‌توانند برای آشنایی بیشتر با ذهن خلاق این نویسنده با آنها آشنا بشوند از این قرار است: «داستان نویسی جدید» (۱۹۱۹)، «دوباره خوانی رمانها» (۱۹۲۲)، «آقای بنت و خانم براون» (۱۹۲۷)، «یادداشت‌هایی بر نمایشنامه‌های دوره الیزابت» (۱۹۲۵)، «پل باریک هنر» (۱۹۲۷) و کتاب



خود می‌کند. در ابتدای بخش دوم زندگی خانم رمزی شخصیت اول داستان پایان می‌یابد، اما تا آخر کتاب حضوری دائم دارد. وی علاقه‌مند است که جیمز کوچک را برای دیدار فانوس دریایی راهی دریا کند، اما آقای رمزی با این کار مخالف است و بارها مخالفت خود را در طی داستان ابراز می‌کند. از شخصیت‌های برجسته داستان لی‌لی بریسکو زن نقاش جوانی است که مهمان خانواده رمزی است و به کشیدن تابلوهای نقاشی مشغول است. فصل دوم کتاب با درگذشت خانم رمزی آغاز و با مرگ پرو و اندرو دختر و پسر خانواده ادامه می‌یابد. زمان می‌گذرد. تاریکی، غم و تنهایی سراسر خانه را پر می‌کند. خانواده این منزل ساحلی را ترک می‌کنند و در طول مدت جنگ، خانه خالی می‌ماند. فصل دوم وصف خانه خالی و پرخاطره خانواده رمزی است.

فصل سوم، با عنوان فانوس دریایی، مهم‌ترین بخش کتاب است. اعضای خانواده به خانه باز می‌گردند. جنگ به پایان رسیده است. لی‌لی بریسکو نقاش و کارمیکل شاعر نیز مهمان این خانواده‌اند. سفری در پیش است. آقای رمزی قصد بردن بچه‌ها به فانوس دریایی را دارد. جیمز و کام پسر و دختر آقای رمزی او را در سفر همراهی می‌کنند، اما لی‌لی بریسکو در خانه می‌ماند تا تابلویش را تمام کند. زیباترین صفحات داستان در حرکت شخصیت‌های آن به سوی دنیای سبز زندگی است. آقار رمزی با آن اخلاق خشک و خسته‌کننده‌اش که موجبات بیزاری بچه‌ها را فراهم کرده، دقایقی قبل از رسیدن به فانوس دریایی تغییر می‌کند. آنها به فانوس دریایی می‌روند تا هدایایی را برای خانواده فقیری که به تنهایی در فانوس زندگی می‌کنند ببرند (کاری که خانم رمزی پیش از این انجام می‌داد). تمام شدن نقاشی لی‌لی همزمان با نشستن قایق به خشکی است. او شاهکار خود را می‌آفریند. بوم نقاشی وی سرشار از رنگهای زنده سبز و آبی است. دیگر از سردی رنگهای قهوه‌ای و سفید خیری نیست. آقای رمزی هم سرشار از حیات و زندگی است و بچه‌هایش گرمای وجود او را احساس می‌کنند.

داستان **فانوس دریایی** داستانی سمبولیک و رمزی است و نشانه‌های سمبولیک آن نیز محدود نیست. شخصیت‌های داستان هر کدام سمبل و نشانه نوعی طرز تفکر و نقلی از زندگی هستند. رنگها در داستان جلوه‌ای خاص دارند. بیشتر صفحات کتاب پر از جلوه رنگ بر آن است. حضور لی‌لی بریسکو این رنگ‌آمیزی را بیشتر می‌کند. ویرجینیا نقاش نبود، ولی خواهرش ونسا به نقاشی عشق می‌ورزید و تابلوهای بسیاری کشیده بود. ویرجینیا به سبب علاقه فراوان به خواهر و آثارش و همچنین آشنایی با نقاشی به خوبی

رمزآمیز کتاب **به سوی فانوس دریایی** است. نام مقاله «طرح سمبولیک به سوی فانوس دریایی»<sup>۲۱</sup> است. در میان رمانهای ویرجینیا وولف، داستان **به سوی فانوس دریایی** داستانی رؤیایی و شهودی و متفاوت از سایر آثار اوست. «ولف در این شاهکار، هم در زمینه استفاده از زمان و هم در خصوص ساختمان دو سطحی روایت منثور و نمادگرایی شعری به تجربه‌ای بزرگ دست زده است. به **سوی فانوس دریایی** که بیشتر شعر منثور است تارمانی قراردادی، در واقع شرحی است درباره زمان و مرگ و دوام هنر»<sup>۲۲</sup> ویرجینیا وولف و عموم منتقدین آثار وی معتقدند که این رمان شاهکار اوست. ویرجینیا در کنار صفحه یکی از مجلدات این کتاب که آن را برای اهداء به کسی آماده کرده بود، نوشت: «به نظر خودم بهترین داستانی است که نوشته‌ام»<sup>۲۳</sup>. وی درباره نمادگرایی در این کتاب در یکی از یادداشت‌هایش می‌نویسد: «منظور خاصی از فانوس دریایی نداشته‌ام. آدم باید محوری در کتاب داشته باشد تا طرح را منسجم نگاه دارد. می‌فهمیدم که هر نوع حسی از آن مستفاد می‌شود. اما از پروراندن این حسها خودداری کردم. امیدوار بودم و اعتماد کردم که خوانندگان آن را محملی برای عواطف خود خواهند ساخت، که چنین هم کرده‌اند، یکی فکر کرده به یک معناست و دیگری آن را به معنایی متفاوت گرفته است. من نمی‌توانم نمادگرایی را جز به این صورت مبهم و کلی به کار ببرم. نمی‌دانم درست است یا نه. اما وقتی مستقیماً به من می‌گویند که معنای فلان چیز چیست، برایم تفرانگیز می‌شود»<sup>۲۴</sup>.

این رمان در سه بخش نوشته شده است: بخش اول با عنوان «پنجره» آغاز داستان و ماجرای خانواده رمزی<sup>۲۵</sup> است که خانه تابستانی آنها در کنار خلیجی قرار دارد و نور فانوس دریایی که در میانه آنها قرار دارد، هر شب از پنجره‌های خانه ساحلی وارد می‌شود و هشت کودک خانواده خصوصاً جیمز شش ساله رابی‌تاب و مشتاق

می‌انجامد. همسرش خانم رمزی زندگی را بهتر می‌شناسد و آن را از پرتو نبوغی حسی بی‌انکای به هیچ نوع سیستمی درمی‌یابد که وهمی و خیالی هم نیست. (او می‌دانست که وقوع هیچ پستی‌ای در دنیا غیر ممکن نیست و او می‌دانست که هیچ شادمانی پایداری هم وجود ندارد). او سرپرستی خانواده را با لیاقت و شایستگی به عهده داشت و آرامشی را بر آن حاکم کرده بود.

لی‌لی بریسکو شخصیت دیگر داستان است که از ازدواج سرباز می‌زند و سعی می‌کند که احساس خود را از واقعیت، با رنگ و فرم بیان کند. چارلز تنسلی فیلسوفی جوان و با پشتکار و با عقده حقارت و خود کم‌بینی است. آقای کارمایکل پیر که به دور از اجتماع در زیر آفتاب چرت می‌زند و سرانجام شاعر اشعار غنایی می‌شود. نیتادویل



توانسته است از سبمل رنگها در داستان سود جوید.

داستان، داستان یک سفر است. از ساحل به سوی فانوس دریایی، و فانوس دریایی سمبلی از نور و روشنائی. نوری که شبهای تاریک را روشن می‌کند. شبهای طوفانی دریا، و آرزوی سفر این خانواده پس از جنگ برآورده می‌شود. دوران جنگ دوران تاریکی و ظلمت است. دورانی که در آن یادی از فانوس و نور آن نمی‌شود. هیچ کس به یاد خانواده فقیری که فانوس دریایی را روشن نگاه می‌دارند نمی‌افتد. اما حالا در پایان داستان در دوره بعد از جنگ، خودخواهیها پایان یافته و سفر آغاز می‌شود و با دگرگونی آقای رمزی و رسیدن قایق به فانوس دریایی و تمام شدن نقاشی لی‌لی با زمینه‌های سبز و آبی کتاب پایان می‌یابد. سفر موضوع اصلی اغلب داستانهای رمزی است. سفر به دوزخ، برزخ و بهشت (در گمدی الهی، ارداویراف نامه، سیرالعباد)، سفر غریب غربت غربی به شرق مشرق جان در قصه غریبه الغریبه و سفر پرندگان در منطق الطیر و عقل سرخ، سفر به سوی نور، او، عرش، حق، سیمرغ، پیر، عقل کل، نور اول و تحول و دگرگونی در طول سفر. بسیاری از کدهای داستانهای رمزی در داستان به سوی فانوس دریایی که ناخواسته نام این خانواده به فارسی رمزی نوشته می‌شود، دیده می‌شود. شخصیت اول و راهنمای این داستان خانم رمزی است. وی با زیبایی تمام عیار همیشگی اش در حالی که تاجی از گلهای سفید بر سر دارد تا پایان داستان حضور دارد. او حتی بعد از مرگ خود نیز در میان گلزاران و چینهای ارغوانی و لطیف یاس و سوسن دیده می‌شود.<sup>۲۶</sup>

ویرجینیا به ادبیات زنانه اعتقادی نداشت. وی معتقد بود که هنرمند بزرگ باید دو جنسی باشد (همانطور که بعداً قهرمان کتاب ارلاندو بود)، باید بتواند احساسات هر دو جنس را درک و بیان کند. ناتالی ساروت نویسنده زن فرانسوی هم به چیزی به عنوان ادبیات زنانه اعتقاد نداشت. وی می‌نویسد: «ادبیات زنانه به معنی دقیق آن وجود ندارد، همانطور که نمی‌توان از موسیقی زنانه یا فلسفه زنان گفت. به نظر من فقط ادبیات وجود دارد. البته می‌توان از نویسندگان زن مانند خواهران برونته یا ویرجینیا وولف سخن گفت. اما موقعی که آثار آنها را می‌خوانم به هیچ وجه احساس نمی‌کنم که نوشته زنانه می‌خوانم. من معتقدم زمانی که یک نویسنده می‌نویسد، من، او وجود ندارد ... ابلهانه است که رمان را از روی جنسیت نویسنده داوری کنیم».<sup>۲۷</sup>

اما با خواندن رمانهای وولف می‌توان حدس زد که نویسنده آن زن است. این طبیعی است که مردان، قهرمانان و شخصیت‌های اول داستان خود را از میان مردان انتخاب نمایند و زنان هم با توجه به شناخت بیشترشان از زنان و احساسات و علایقشان شخصیت‌های اول داستان‌شان از میان زنان باشد. قهرمان داستان فانوس دریایی خانم رمزی است، قهرمان رمان خانم دالووی خانم کلاریسا دالووی و قهرمان رمان سالها، الینور است. ارلاندو هم دو جنسی است و شاید گریز ویرجینیاست از انتخاب قهرمان زن.<sup>۲۸</sup>

در زیر مقاله دیوید دیچز با عنوان «طرح نمادگرایی فانوس دریایی» از کتاب نقد ویرجینیا وولف ترجمه و نقل می‌شود:

#### الگوی نمادگرایی در «به سوی فانوس دریایی»

در کتاب به سوی فانوس دریایی شخصیتها به دقت در ارتباط با یکدیگر شکل گرفته‌اند، بنابراین الگوی روشن نمادینی را آشکار می‌کنند. آقای رمزی پروفیسور فلسفه که در جوانی اش فکری نوارائه کرده است و از آن پس هم همچنان همان فکر را تکرار کرده و قوام داده، بدون آنکه بتواند بفهمد که نتیجه این سیستم فکری به کجا

و پاول رابلی شخصیت‌های دیگر داستان هستند که خانم رمزی آنها را تشویق به ازدواج (اما وصلتی ناموفق) می‌کند. هر شخصیت عملکردی دقیق و روشن در این داستان سازمان یافته دارد. فانوس دریایی هم به تنهایی در میان دریا ایستاده است و سمبلی از فردیتی است که بخشی از جریان تاریخ است و هم وحدتی یگانه دارد.

رسیدن به فانوس دریایی به عبارتی دیگر، تماس پیدا کردن با حقیقت بیرون خود است. تسلیم کردن نفس خود به یک واقعیت غیر

شخصی.

آقای رمزی همیشه مردی خودبین است که تشویق و تحسین را از دیگران دریغ می‌کند و بر پسر جوانش که آرزوی دیدن فانوس دریایی را دارد خشم می‌گیرد. او سالها بعد، آن هنگامی که همسرش از دنیا رفته و زندگی شخصی‌اش تقریباً مضمحل شده، این آزادی از خود را به دست می‌آورد. این برجستگی ای است که ویرجینیا وولف در فراز آقای رمزی از شخصیت قبلی خودش می‌آفریند؛ درست پیش از هنگامی که کشتی بالاخره به فانوس دریایی برسد. در حقیقت اغراض شخصی‌ای که در طول داستان تقویت شده بود درست به هنگام رسیدن آنها به فانوس دریایی کنار گذاشته می‌شود. آقای رمزی از ژست گرفتن با کتابش دست می‌کشد و جیمز را که قایق می‌راند تحسین می‌کند. جیمز و خواهرش کام رنجش خود را از پدر به سبب تهدید و اجبار به این سفر از دست می‌دهند و از شکایت پنهان همیشگی خود دست می‌کشند. «چه می‌خواهی؟ هر دو می‌خواستند بگویند هر چه می‌خواهی از ما بخواه تا به تو بدهیم. اما او از آنها هیچ چیزی نخواست در آن لحظه وقتی قایق آنها به خشکی نشست لی‌لی بریسکو و آقای کارمایکل که در این سفر همراه آنها نبودند ناگهان احساسی از دلسوزی و غمخواری نسبت به بشر را در خود یافتند و لی‌لی به شهودی دست یافت که او را قادر ساخت تا نقاشی خویش را به پایان برساند.»

سمبولیسم رنگها در طول کتاب جاری است. در ابتدای کتاب آنگاه که لی‌لی بریسکو در کشمکش مایوسانه‌ای با نقاشی‌اش است، رنگهایی که می‌بیند بنفش روشن و سفید سرد است. اما حالا در پایان کتاب، او به شهودی نهایی دست می‌یابد که توانایی به پایان رساندن نقاشی‌اش را به او می‌دهد. لی‌لی می‌بیند که فانوس دریایی در میان تیرگی آبی رنگی محو شده است. دوباره به بوم نقاشی می‌نگرد و آن را به روشنی می‌بیند، قبل از اینکه خط پایانی را بکشد. دلالتی که نشان می‌دهد این تیرگی رنگها به شهودی مربوط است.

آقای رمزی که در آخر به شهودی می‌رسد (مرحله‌ای دست نیافتنی در فلسفه‌اش روشنایی ضعیف قرمز در ساختی بعید) کاملاً روحیه مقابل لی‌لی را دارد. لی‌لی بی آنکه به خود بیندیشد با رنگهای آبی و سبز کار می‌کند و همچنین در مقابل خانم رمزی که بوم نقاشی لی‌لی را مثلث ارغوانی شکل می‌نامد.

قرمز و قهوه‌ای، رنگهای فردیت و خودبینی هستند، در حالی که آبی و سبز رنگهای غیر شخصی‌اند. آقای رمزی تا پایان کتاب نماینده افراد خودبین است و رنگهای قرمز و قهوه‌ای هستند. لی‌لی هنرمندی غیر شخصی است و رنگ او آبی است. خانم رمزی جایی بین این دو قرار می‌گیرد و رنگش ارغوانی است. سفر به سوی فانوس دریایی سفر از منیت و خودبینی به سوی دگرنگری و عالم غیر خودی است.

مثال زیبایی از سمبولیسم رنگ در صفحات ۲۰۴ و ۲۰۵ کتاب وجود دارد.

«به هر جا که گذارش می‌افتاد، در اینجا یا دهکده یا لندن نقاشی می‌کرد، این منظره بر او ظاهر می‌شد و با چشمهای نیم بسته به جستجوی چیزی برمی‌آمد تا منظره را بر آن استوار سازد، به تراموا نگاه می‌کرد، تارمویی از شانه یا گونه برمی‌گرفت، به پنجره‌های روبه‌رو نگاه می‌کرد و به پیکادلی با آویزه چراغها در شامگاهان، جملگی جزئی از گلزاران مرگ بود. اما همیشه چیزی، چهره‌ای، صدایی، پسرک روزنامه فروشی که استناد دارد و نیوز را جار می‌زد ناگهان به میان می‌آمد، سرزنشش می‌کرد، بیدارش می‌کرد، توجه می‌طلبید و دست آخر هم توجه او را جلب می‌کرد.»

در نتیجه ناچار می‌شد که منظره را مدام بازسازی کند. حالا هم به سائقه نیاز غریزی به فاصله و رنگ آبی به خلیج زیر پایش نظر انداخت و دید که از میله‌های آبی رنگ موجها پشته می‌سازد و از فضاها ارغوانی تر دشتهای سنگی. و باز هم چیزی ناهمساز به هیجانش آورد. در وسط خلیج نقطه قهوه‌ای رنگی بود. قایقی بود. آری، پس از لحظه‌ای آن را به جا آورد. اما قایق کی؟ جواب داد: قایق آقای رمزی. آقای رمزی، همان مردی که دست برافراشته و کناره جو با پوتین زیبایش پیشاپیش دسته‌ای از کنار او گذشته بود و جویای همدلی شده بود و او هم آن را دریغ کرده بود. حالا قایق در نیمه راه خلیج بود.»<sup>۲۹</sup>

#### پانوشتها:

1 - Stream of consciousness.

۲- واژه نامه هنر داستان‌نویسی.

۳- رمان خانم دالوری ترجمه پرویز داریوش، رمان به سوی فانوس دریایی ترجمه صالح حسینی است. اولاندو را محمد نادری و خیزابها را پرویز داریوش و سالها را فرهاد بدری زاده ترجمه کرده‌اند.

4 - Voyage out.

5 - Night and Day.

6 - Jacob's room.

7 - Mrs. Dalloway Waves.

8 - To the light house.

9 - Orlando.

10 - Between the acts.

11 - Monday or Tuesday.

۱۲- تراویک باگتر، تاریخ ادبیات جهان، ج ۲، ۱۸-۱۱۱۷.

13 - A Bibliography of Virginia Woolf by Kirk Patrick, Oxford 1980.

14 - Virginia Woolf: A Biography by Quentin Bell, 2Vols, Oxford 1980.

۱۵- کونتن تین بل، ویرجینیا وولف، ترجمه سهیلا بسکی، انتشارات روشنگران، چاپ اول ۱۳۷۳.

16 - An Autobiography (2 vols). Leonard Woolf Oxford 1980.

۱۷- رک. کتاب زندگینامه ویرجینیا وولف، کونتن تین بل، ج ۲ ص ۲۵۳.

18 - Woman of letters by Rose Phyllis Oxford 1978, The unknown

Virginia Woolf, Poole Roger, Cambridge 1978.

19 - The diary of Virginia Woolf (5 vols).

20 - Critics on Virginia Woolf.

21 - 'Symbolic pattern in to the light house'. p. 70.

۲۲- تراویک، تاریخ ادبیات جهان، ج ۲/۱۱۱۸.

۲۳- کونتن تین بل، ویرجینیا وولف، ج ۲/۲۲۲.

۲۴- همان ص ۲۲۶.

25 - Ramsay.

۲۶- رک. فانوس دریایی، ص ۲۰۴.

۲۷- از گفت و گوی رامین جهاننگلو با ناتالی ساروت سال ۱۳۷۴، نقل از صد سال داستان‌نویسی حسن میرعابدینی، جلد سوم، صفحه ۱۱۰۷.

۲۸- جین اوستون نیز قهرمانان اول داستانهایش را از میان طبقه متوسط زنان انتخاب می‌کند. قهرمان زن شاهکار اوستون، غرور و تعصب، الیزابت بنت است و قهرمانان اصلی داستان عقل و احساس او الیز و ماریان دشوود هستند. قهرمان رمان اما، اماست و الیزابت و ان الیوت قهرمانان زن رمان وسوسه اوستن‌اند.

۲۹- به سوی فانوس دریایی، ترجمه صالح حسینی، صص ۲۰۴-۲۰۵.